

تحلیل عوامل فرهنگی - اجتماعی گسترش بد حجابی

محمد مهدی کریمی نیا^۱، فریده آل کثیر^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ فارغ التحصیل سطح سه (کارشناسی ارشد) تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه شهرستان شوش، مدرّس حوزه و پژوهشگر

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

بدحجابی یکی از مسایل و چالش‌های جدی در حوزه اخلاق اجتماعی محسوب می‌شود. چون که پوشش ظاهری زن مسلمان بخشی از حقیقت باطنی و بیان گر اندیشه‌ها و نظام ارزشی‌های درونی اوست از این جهت در این به زمینه‌ها و عوامل اجتماعی و فرهنگی بدحجابی بارویکرد تحلیلی توصیفی پرداخته‌ایم. در این نوشتار، پس از بیان مفهوم حجاب، که برای رسیدن به امنیت و کاهش بحران‌های روحی ضروری است، به مفهوم بد حجابی و مهم ترین عوامل اجتماعی (تغییر ارزش‌ها با سرزنش دیگران، تقلید کورکورانه و نگرش سطحی، کمبود عاطفه و غیره. همچنین به عوامل خانوادگی و فرهنگی بد حجابی ناشناخته ماندن فرهنگ حجاب، اقلیت‌های مذهبی و غیره اشاره شد. با توجه به نتایج به دست آمده مهم ترین عوامل بی حجابی در جامعه رسانه‌ها و گسترش فساد و تباهی و دگرگونی ارزش‌ها و تهاجم فرهنگی است که در نابود کردن فرهنگ حجاب و دادن الگوی بی حجابی و خود نمایی و خود آرایی به جامعه نقش مهمی دارد.

واژه‌های کلیدی: بدحجابی، جامعه، عوامل، فرهنگی، اجتماعی

مقدمه

گرایش به پوشش و حجاب یک گرایش فطری در میان زنان و مردان می باشد، ولی میزان و شکل آن رابطه مستقیم با اخلاق، امروز دنیا، به ویژه در جامعه ما محسوب می شود و از آن جا که زنان نیمی از اجتماعی هستند و مسئولیت پرورش آنها به مادیات و کودکان را بر عهده دارند از نظر فرهنگ و تربیت نقش مهمی را ایفا میکند چرا که با منحرف ساختن زنان و پرداختن آنها به مادیات و سوق دادن آنها به سمت خداری و بی پوششی، آنها را از شناخت دین باز داشته و شاهد تغییر و دگرگونی ارزش های وی میشویم که در این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی و عوامل خانوادگی که به خاطر تربیت غیر دینی و نا صحیح خود و همچنین به عوامل که با رسانه های جمعی و اقلیت های مذهبی و تهاجم فرهنگی به جان زن مسلمان که با پوشش خود فرهنگ یک زن اصیل اسلامی را نشان می دهد افتادند که با توجه به این عوامل هدف از نوشتن این مقاله را آگاهی دادن و بصیرت افزایی هرچه بیشتر نسبت به عوامل ایجاد شده در تخریب و یک کوشش حجاب فرهنگی و اسلامی زن اصیل هستیم زیرا با توجه به نتایج به دست آمده جلوی فساد و تباهی زنان گرفته شود و اصالت و پوشش وی جلوی نامحرمان محفوظ بماند

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم حجاب

در قاموس به معنای پنهان کردن و پرده آمده است. (قرشی، ۱۳۸۶: ۱۰۳/۱) در کتب لغت فارسی نیز برای واژه «حجاب» این معانی آمده اند: پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را بدان می پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سر تا پای خود را بدان می پوشانند. (معین، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۱۳۴۰)

در کتاب الحجاب و السفور معنای لغوی حجاب چنین آمده: حجب در لغت همان منع کردن است. «حجبوا زیدا عن الدخول» یعنی از ورود آن ممانعت گردید. و به معنای پوشش نیز است. جمله «حجبت المرات بالنقاب» یعنی زن خود را به وسیله نقاب پوشیده است. و در مقابل حجاب، سفور به معنای آشکار و ظاهر ساختن است. و جمله «اسفرت المرات به زنی می گویند که صورت خویش را ظاهر و حجاب را از آن بر می گیرد.» (محمدی آشنانی، ۱۳۷۳: ۷) در کل حجاب در لغت، به معنای پوشش، پرده و حاجب به کار رفته، همچنین نامی است برای آنچه به وسیله آن خود را می پوشانند. آنچه میان دو چیز حایل گردد نیز «حجاب» نامیده می شود. (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۵/۳) در این زمینه کلام خداوند متعال که می فرماید: «وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ حِجَابٌ» (یعنی میان ما و شما حاجز و فاصله ای در نحله و دین وجود دارد.) (فصلت/۵)

این واژه در اصطلاح به معنای هر چیزی که مانع چیزی از چیز دیگر شود آن را حجاب کرده و حجاب اسم است یعنی چیزی که به وسیله آن مانع از رسیدن شی به شی دیگر شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸۶/۳)

مصطفوی این واژه را دقیق تر معنا کرده است: حجاب و حایل و مانع تلاقی دو چیز یا اثر دو چیز است و آن دو چیز می تواند هر دو معنوی یا هر دو مادی باشد و یا یکی معنوی و دیگری مادی باشد و خود حاجب می تواند مادی یا معنوی باشد. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۶۶/۱)

اما تعاریف دیگری نیز به چشم می‌خورد که در آنها نوع این حائل و مانع مشخص شده و آمده است: «الحجاب الستر» (ستر به معنای پرده و پوشش). (ابن منظور ۱۴۱۶: ۳/ ۵۱) همچنین راغب می‌گوید: «حجب و حجاب به معنای منع از وصول و رسیدن دو چیز به همدیگر است. (اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۰۶)

همچنین شهید مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه، چنین بیان می‌کند: کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوشش حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. (مطهری، ۱۳۸۹: ۷۲)

حاصل آنکه حجاب حاکی از آن است که در معنای لغوی حجاب دو مفهوم قابل تمایز از هم وجود دارد؛ آن‌ها و فاصله انداختن بین دو امر می‌باشد که این معنا از واژه‌های حائل، مانع و حاجز مستفاد است. مفهوم دوم، پنهان کردن، پوشاندن و از مقابل دیده افراد خارج کردن است که این معنا از کلمه «ستر» و مانند آن قابل استفاده می‌باشد.

سخن آخر آنکه معناشناسی حجاب حکایت از آن دارد که حجاب معانی متفاوتی را در خود جای داده است. اما آن چه فهم عرفی را به خود اختصاص داده، معنای فقهی حجاب یعنی پوشش خاص زنان است. ناگفته پیداست که حجاب به عنوان یک مفهوم دینی، مورد توجه علمای اسلامی بوده و اصل آن امری ضروری و مؤکد است و سلامت روانی جامعه و شخصیت حقیقی زن را پاسداری می‌کند. در عین حال افراد در انتخاب نوع و رنگ آن تا جایی که به حدود و شرایط معین آن آسیب نرسانند، مخیرند.

۲-۱. مفهوم بد حجابی

معیارهای مطلوب پوشش زن مسلمان در اسلام را می‌توان در واژه «حجاب» خلاصه کرد امروزه به زنی که در انجام وظایف شرعی خود کوتاهی کرده و پوشش اسلامی را رعایت نکند بد حجاب یا بی حجاب گویند. «حجاب» یکی از اساسی‌ترین احکام دین اسلام و از ضروریات و واجبات آن به شمار می‌آید که شامل مجموعه‌ای از اصول مورد تأکید این دین در زمینه پوشش، رفتار و گفتار زنان در جامعه‌ی اسلامی است.

براین اساس «بد حجابی» مفهومی است که با کوتاهی در التزام عملی به بخش یا بخش‌هایی از اجزای تشکیل دهنده‌ی حجاب، محقق می‌شود. و عمدتاً به پوشش و رفتار غیر اسلامی زن در عرضه‌ی اجتماع ناظر می‌باشد هر چند که پوشش مردان نیز در شریعت اسلام، شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارا باشد و جامعه‌ی کنونی ما، از حالت مطلوب آن فاصله‌ی بسیاری گرفته است.

بد حجاب فقط کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند. ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند ولی در عین حال وضع ظاهرش، نوع رفتارش، با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش، به افراد و اطرافش و در یک کلام نوع ارتباطی او در اجتماع به گونه‌ای باشد که با زبان دارا باشد. (کار دوانی، ۱۳۹۱).

۲-۲. زمینه‌ها و عوامل بد حجابی

همان‌طور که در پیدایش یک مسئله و یا یک رفتار عوامل متعددی دخیل هستند و نمی‌توان صرفاً یک عامل را علت و انگیزه پیدایش یک مسئله یا رفتار آدمی به شمار آورد، بنابراین می‌توان گفت عوامل بدحجابی هم گوناگون هستند، که در این مقاله به عوامل فرهنگی و اجتماعی بد حجابی می‌پردازیم.

۲-۱. عوامل اجتماعی بدحجابی

بد حجابی پدیده‌ای است اجتماعی که برای رسیدن به عوامل و علل آن باید با نگاهی اجتماعی، مسائل و زمینه‌های آن را کاوید. این بحث از جهات مختلفی قابل تأمل و توجه است و بی‌گمان در چگونگی پیدایش و رشد و گسترش آن نمی‌توان به یک یا چند عامل بسنده کرد آنچه اینک بدان می‌پردازیم نگاهی گذرا به این مسئله خواهد بود

۲-۱-۱. سرزنش دیگران

یکی از عواملی که موجب می‌شود تا برخی از خانم‌ها و دختران به سمت بی‌حجابی بروند و نسبت به آن گرایش پیدا کنند پندار ارزش در جامعه است. آنان تصور می‌کنند خودنمایی و تظاهر (بدحجابی) در انتظار مردم و جامعه ارزش محسوب می‌شود عدم تبیین ارزش‌های جاذب و طرح رادایل کاذب از جمله عوامل بدحجابی است. ابزار وجود و خودنمایی برای انگشت‌نماد شدن با ارائه مد و تغییرات بی‌شمار و با هدف متمایز کردن خود از دیگران از جمله این ضد ارزش هاست.

اسلام حیا و وقار و متانت، شکوه‌گفتار و سلامت کردار را برای انسان‌ها ارزش دانسته و حجاب را جزئی از شخصیت زن تلقی می‌کند. وقتی ارزش‌ها دگرگون شود و زن خود آرای و نشان دادن زیبایی‌ها را ارزش بداند گرایش درونی به فساد آفرینی پیدا می‌کند. (قاسمی، ۱۳۷۸: ۱۵۵)

چون که یکی از ریشه‌های بدحجابی سرزنش هم‌کلاسی‌ها، دوستان و آشنایان و گاهی هم اعضای خانواده است. بسیاری از بانوان با برخورداری از سلامت نفس، می‌خواهند حجابی دینی و کامل داشته باشند، ولی راهنمای پوشش به آنها شبیخون می‌زند و زبان به سرزنش می‌گشایند که چرا خود را محصور کرده‌ای و آزادی را از خود سلب نموده‌ای. (اکبری، ۱۳۷۷: ۴۷)

و با این وجود می‌خواهند جایگاهی را نزد دیگران برای خود پیدا کنند. تا مورد پذیرش دیگران قرار گیرند و در جامعه کسی آنها را سرزنش نکند آنها با این کار (بدحجابی) باعث تغییر ارزش‌های خود در جامعه می‌شوند و ارزش‌ها را از بین می‌برند.

۲-۱-۲. تقلید کورکورانه و نگرش‌های سطحی

هنگامی که آدمی در اثر پیروی از هوی و هوس از تحصیل علم و معرفت و در نتیجه کسب نیروی درک‌کننده حقیقت محروم می‌گردد، ناگزیر استقلال فکری خود را از دست داده و دست به دامان غیر معقول و تکیه بر ظن و گمان نادرست و پندارهای بی‌اساس که هرگز انسان را بی‌نیاز از حق نمی‌کند و به حقیقت نمی‌رساند دراز می‌کند و در حقیقت نظریه‌های او را حس و چشم و گوش و تغذیه و... اداره می‌کند نه براهین عقلی و دلیل‌های شرعی.

تقلید و چشم و هم‌چشمی که نشانه‌ی خود باختگی عامل عقب افتادگی و از علائم شخصیت بیمار است. باعث می‌گردد که فرد مقلد رفتار و سوسه‌ها و دسیسه‌ها و سیاست بازی‌های شیاطین و ابزار دست دیگران قرار گرفته و در زندگی بر اساس خودخواهی و خود باختگی‌های خود و دیگران، رفتار کند، هم‌چنان که خود آرای و بدحجابی نیز از جلوه‌های بارز رفتارهای تقلیدی کورکورانه است. (farhangesadid.ir)

۳-۱-۲. کمبود عاطفه محبت و عاطفه

گاهی اوقات اگر ابزار محبت در انسان به اندازه نباشد موجب کمبودهای شخصیتی در فرد می شود و در پی جبران آن خلأها به راه هایی متوسل می شود. کمبودهای عاطفی در خرد سالی و گاهی در بزرگسالی. هویت و شخصیت را به شدت دچار کاستی می کند. این گونه افراد چنانچه راهنمایان درستی نداشته باشند برای جبران آن به شیوه های غیر طبیعی دست می زنند و شخصیتی دروغین و بی پایه برای خود رقم می زنند. بررسی برخورد برخی زنان و دختران در مسئله پوشش کاملاً نشانگر آن است که خود آرای و خود نمایی نوعی ایجاد شخصیت پنداری است تا با جلب کردن نظرها آفریدن جاذبه، خلأها را بپوشانند. کسب موقعیت انسان موقعیت طلب است و همواره می خواهد در میان مردم از جایگاهی در خور توجه برخوردار باشند. چنین جایگاهی به دو صورت حقیقی و کاذب محقق می شود موقعیت حقیقی در اثر تحصیل علم و فضایل اخلاقی به دست می آید و اما برخی زنان که فاقد این ارزش ها هستند با نمایش زیبایی ها و جاذبه های طبیعی و ساختگی زنانه خود سعی در جلب توجه دیگران می کنند تا به کمبودها باطنی خود پاسخ دهند. غافل از آن که هرگز کسی نمایش زیبایی ها را زنانه را دلیل بر شخصیت و جایگاه ارزشی او نمی گیرد. بی حجابی، زن را صاحب فضیلت نمی کند بلکه او را عروسکی می دانند که با رشد و تعالی فاصله ها دارد ضمن این که موقعیت های حاصل از تحرکات جنسی تنها نزد بیمار دلانی به وجود می آید که خود کمترین ارزشی ندارند. (فتاحی زاده، ۱۳۹۲، ۱۸۰).

۴-۱-۲. ضعف اعتقادی و ایمانی

ایمان همچون پناهگاهی است که انسان را از افتادن در گناهان حفظ می کند. (اکبری، ۱۳۷۶، ۳۷) چنان که در قرآن کریم آمده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ؛ راستی که مؤمنان رستگار شدند؛ همانان که در نمازشان فروتنند؛ و آنان که از بیهوده رویگرداندند و آنان که زکات می پردازند؛ و کسانی که پاکدامندند؛» (المؤمنون/ ۲۵-۲۱). بی حجابی و تبرج فقر فرهنگ دینی است. علت تمام گناهان از جمله تبرج ها، ضعف ایمان و نداشتن ارتباط واقعی به وسیله نماز و قرآن و دعا با خداوند سبحان است. (محمدی نیا، ۱۳۸۱، ۲۰۴) کسی که به خدا ایمان ندارد در عمل به دستورات الهی تسامح می ورزد و تا این مشکل حل نشود، مشکل تبرج هم، که فقر فرهنگ دینی است حل نخواهد شد. گاه شخص مزیت حجاب و آثار بد حجابی و تبرج را می داند ولی چون آن را مخالف تمایلات نفسانی خود می بیند، حاضر به رعایت آن نیست. (اکبری، ۱۳۷۶، ۳۷) ایمان به معاد هم درکنار ایمان به خدا از مهمترین موانع فساد اخلاقی است. امام جواد در این مورد می فرماید: «اعلم انک لن تخلو من عین الله فانظر کیف تکنون.» (بدانکه از دایره دید خداوند بیرون نخواهی رفت. اکنون ببین چه هستی. (اسحاقی، ۱۳۸۸، ۱۱۳) پس فرهنگ اسلامی باید با این خلا اعتقادی مبارزه کند.

۵-۱-۲. پل زدن به ازدواج

برخی دختران، بدلباسی و خودنمایی را پلی برای ازدواج می پندارند. آنان تصور می کنند با بیرون ریختن مو از زیر روسری، پوشیدن لباس های زننده، آرایش های ناپسند و نشان دادن زیبایی های زنانه خود می توانند جوانان مجذوب خود کنند. اینان از این نکته غافلند که جوانان با همه اقبال و خوش رویی هایی که با ایشان دارند، در پی ازدواج با آنان نخواهند بود.

غالب جوانان در پی آنند که دختری را برای همسری خود برگزینند که طرح دوستی با جوان دیگری را در پرونده خود نداشته باشد. جوانان بی تقوا، از دختران خودنما، برای لذت های زودگذر استقبال می کنند. در حقیقت، این دختران در چشم ها جای دارند، نه در دل ها. بنابراین، تبرج و ظاهرسازی، چشم انداز مناسبی برای ازدواج نیست و اگر هم ازدواجی به خاطر جاذبه های جنسی صورت پذیرد، بنیان محکمی نخواهد داشت. (اسحاقی، ۱۳۸۸، ۲۸-۲۷)

از طرف دیگر عدم امکان ازدواج، دلیل عقلایی برای بی عفتی و خودنمایی نیست و کسانی که امکان ازدواج ندارند، باید عفت و پاک دامنی پیشه کنند چنان که خدای متعال می فرماید: «و لَبِستَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ و کسانی که وسیله زناشویی نمی یابند، باید عفت بورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند». (نور/ ۳۳).

عامل دیگر که آسیب بدحجاب را در جامعه ایجاد کرده داست، تاخیر افتادن سن ازدواج در اثر مشکلات اقتصادی از یک طرف و راحت طلبی و مسئولیت گریزی مردان از طرف دیگر است. برخی مردها راحت طلب و مسئولیت گریزند و شرایط اقتصادی برای ازدواج هم به شدت دشوار است. از آن طرف هم بازار آزاد تمتع های جنسی برای هرزگی و ارضا جوانان، بدون تن دادن به سختی های تشکیل خانواده، به وفور در دسترس است. این عامل سبب می شود که برای دخترها دواطلب ازدواج کم شود و زن هم مثل مرد نیاز جنسی دارد پس این دختر باید با آرایش کردن و لباس محرک پوشیدن بتواند شوهری بیابد یا به بی بند باری و فساد جنسی کشیده شود. (طیب، ۱۳۷۸، ص ۷۶)

شاید خودنمایی برای یافتن همسر بعد از انتشار آمارهای غیرواقعی و این که دختران بیش از دو برابر پسران می باشند به وجود آمده باشد این فکر در میان برخی از کسانی که از ایمان قوی برخوردار نبودند، به وجود آمد که در این بازار آشفته و قحط الرجال، هر چه زودتر باید دست به کار شد و پیش از آنکه بازار سیاه پسران نیز ظاهر شود، یکی از آنها را صید و شکار نمود و شاید بهترین دام برای این کار را زلفهای پریشان و لباسهای تنگ و آرایش کذایی دانستند و با همین قصد راهی کوچه ها و خیابان ها شدند تا زودتر سهم خویش را از بازار قحط الرجال تصاحب نمایند؛ لذا اغلب دختران که از این طریق با پسران دوست می شوند، انگیزه خود را انتظار برای ازدواج ذکر می کنند، بر عکس پسران که بیشتر به دنبال تنوع طلبی و لذت جویی هستند. و در ضمن این متاسفانه خانواده و خود مرد در انتخاب عروس یا همسر اولین معیار ی که در نظر می گیرند زیبایی ظاهری دختر است. و بعد به این توجه می کنند که افکار و اندیشه هایشان چقدر همخوانی دارد. پس دختر ناچار است برای این که شانس ازدواج بدست آورد خود را بیاراید، (طیب، ۱۳۷۸، ص ۷۷).

این که برای ازدواج دختر های بدحجاب را بر باحجاب ترجیح دهند تصور کاملاً اشتباهی است. هر چند انتخاب تک ملاکی کار اشتباهی است و این اقدام از طرف هر کس انجام شود، اشتباه بودن این انتخاب به قوت خود باقی است. (مثل این که فقط به خاطر بی حجابی دختری را برای ازدواج انتخاب کنید یا به خاطر با حجابی) اما در جهان خارج غیر از پسرهایی که به اصطلاح در تور و دام دخترهای بدحجاب افتاده و چاره ای غیر از ازدواج در آن لحظه نمی بینند، پسرهایی که وضعیت نرمالی دارند حتی آنها که سابقه رابطه با جنس مخالف را داشته اند هم، برای ازدواج فرد سالم و پاکدامن را بی عفت ترجیح می دهند. نکته بعدی این است که بیشتر ازدواج هایی که معمولاً فرد در تور شخص بدحجابی گرفتار شده است به خاطر ادامه رابطه با جنس مخالف حتی بعد از ازدواج، از استحکام لازم برای زندگی زناشویی برخوردار نبوده و معمولاً به شکست منجر می شود. قرآن در آیه ۲۵ نساء می فرماید: «مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ؛ ازدواج کنید بشرط آنکه با زنان پاکدامن باشد نه به طور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوست پنهانی بگیرند.) محصن از حصن و حصار و محفوظ است، یعنی با زنانی که

خود را در حصار حياء و عفت قرار داده اند، ازدواج کنند نه با زنانی که از لباس حياء و عفت بیرون آمده اند، حتی با زنانی که صرفاً با دیگران دوستی پنهانی دارند، ازدواج نکنید.

۲-۲. عوامل خانوادگی بدحجابی

شکل گیری و شاکله بندی اولیه رفتار و کنش فرد در کوچکترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده صورت می گیرد. برخی از تبرج ها ریشه در خانواده دارد که در ذیل به اختصار به آن می پردازیم.

۲-۲-۱. تربیت نا صحیح و عادات بد خانواده

در برخی از خانواده ها بر اثر نادرست بودن تعلیم و تربیت، بدحجابی زنان را بد نمی دانند، خانواده ها و مادرانی که در قید و بند حجاب و سایر مسائل شرعی نبوده اند، هرگز نمی توانند حجاب را به عنوان یک ارزش و یک واجب الهی برای فرزندان معصوم خود تفهیم کنند، لذا فرزندان را با همان فرهنگی که خود گرفتار آن بوده اند پرورش می دهند، بنابراین بسیاری از بدحجابی ها و بی بندوباری های دختران جوان امروزی، ناشی از محرومیت آنان از تربیت صحیح دینی است. قرآن کریم در آیه ۶ سوره تحریم به همه ی پدران و مادران چنین دستور داده است: «قُوْا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِيْكُمْ نَارًا؛ خود و کسان خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ ها ست نگه دارید».

پیام هایی که از این آیه می توان دریافت کرد این است که ایمان داشتن کافی نیست. حفظ آن از خطرات و آسیب ها مهم است. پس باید مراقبت کرد. دومین گام اصلاح خود و بستگان و سپس اصلاح جامعه است. همچنین طبق پیام این آیه تربیت دینی فرزندان، بر عهده مدیر خانواده یعنی پدر و مادر است. زیرا نفس سرکش انسان نیاز به حفظت دارد، (قرائتی، ۱۳۸۹، ۱۰/۱۲۷).

بدیهی است محافظت خویش از ورود به جهنم جز با تربیت صحیح ممکن نمی باشد. (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴) در کل خانواده هایی که اعتقادات آنها پشتوانه فکری و دانشی درست و کافی نداشته و خود گرفتار بدحجابی و تبرج جاهلانه شده اند و البته خانواده های بی اعتقادی که از لحاظ فلسفی اعتقادی به احکامی مانند حجاب ندارند - بدحجابی و تبرج را هنجار خود قرار داده اند، نخستین و قدرتمندترین عامل ایجاد بدحجابی هنجاری و اجباری هستند، چرا که فرزندان چنین خانواده هایی، خواسته و ناخواسته مدتی از دوران رشد خود را بر پایه این هنجار رفتار کرده و این هنجار ناهنجار را درونی سازی می کنند. فرزندان چنین خانواده هایی حتی زمانی که به واسطه حضور در جامعه اسلامی ایران و یادگیری در نظام آموزشی یا مشارکت در حرکت های اجتماعی مانند بسیج، اعتقادی به حجاب پیدا کنند و بخواهند پوشش اسلامی را برگزینند - هرچند به زعم جامعه دینی رفتار بهنجار را برگزیده اند - در درون خانواده خود دچار مشکل شده و به هنجارگریزی متهم می شوند.

در این میان مادر به جهت برخورداری از موقعیت ویژه و استثنایی در مقایسه با سایر اعضای خانواده تاثیر فوق العاده ای را در تعیین رویکرد فرزندان به مسأله ی حجاب، پوشش و عفاف دارد. چرا که نه ماه ارتزاق از جان و جوهر مادر (در رحم) و حدود دو سال تغذیه از شیره ی وجودی مادر و ارتباط تقریباً انحصاری مادر با کودک در این دوره (حدود ۳ ساله) باعث گردیده مادر حتی در مقایسه با پدر از نقش مهم تر و عمیق تری در گرایش فرزندان به امور اخلاقی، تربیتی و پذیرش عفاف و حجاب به عنوان مؤلفه ممتاز زن مسلمان از سوی دختران جوان برخوردار باشد. اینجاست که رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: «السعيد من سعد في بطن امه والشقي من شقي في بطن امه؛ سعادت و شقاوت هر کس از زمانی شروع می شود که در رحم مادر زندگی می کند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۷/۱۱۰) و نیز امام صادق (ع) می فرماید: «طوبی لمن كان امه عفيفه» (خوشبخت کسی است که مادرش دارای گوهر گرانبهای عفت باشد. (صدوق، ۵۶۴/۱)

همچنین رسول اکرم (ص) فرمودند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيَنْصَرَانِهِ؛ هر کودک و نوزادی به دین فطرت اسلام متولد می شود تا اینکه پدر و مادر او را به یهودی یا نصرانی گرایش می دهد»، (مفید، ۱۴۱۳، ۶۱/۱).

این حدیث انسان را فطرتاً محجب و عقیف می داند و نقش والدین و خانواده را در عفاف و تبرج بیان می کند. (رزاقی، ۱۳۶۹، ۱۷)

مقید بودن مادر یا دایه به پوشش مناسب و نقش مادر در تربیت فرزندان دختر و آموزش های اولیه او در خصوص حجاب بسیار اثر گذار است. مادر می تواند به عنوان الگویی شایسته برای فرزندان خود عمل کند و عفاف در خانواده به عنوان یک اصل پذیرفته شود. (بهرامشاهی، ۱۳۸۸، ۱۲۱).

پس برخی از زنان به علت نوع تربیت خانوادگی یا عادت خانوادگی شکل حضور اجتماعی آنان تداعی عدم عفاف در وجود آنان می کند. البته عادت خانوادگی در ارتکاب خلاف در هیچ کشور و فرهنگی پذیرفته نیست. (سلمان پور، ۱۳۸۸، ۳۷)

پوشش در خانواده های شبه مذهبی از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و فرزندان آنها نیز به فرهنگ تسامح به دین می نگرند و در نتیجه زاد ولد آنها نیز نسخه های تکراری آنها خواهد بود. برخی از این تبرج ها از این خانواده های شبه مذهبی است که از غیرت دینی تهی مانده اند. (اکبری، ۱۳۷۷، ۳۷)

«در کل خانواده هایی که از آموزه های دینی فاصله می گیرند، در برزخ میان عمل به آموزه های دین یا تن دادن به خواسته های نفسانی خود قرار می گیرند. عقاید آنها رنگ مذهبی دارد، ولی حقیقت دینی ندارد، زیرا دین را در محدوده ای می پذیرند که با باورهای غیردینی آنها تضاد نداشته باشد. دین، لقلقه زبان اینان است و در صورت روبه رو شدن با کمترین سختی یا تضاد آموزه های دین با تمایلاتشان، به راحتی از دین چشم پوشی می کنند. فرزندان چنین خانواده هایی به فرهنگ تسامح در برابر دین خو می گیرند و به تدریج به سوی بی حجابی و تبرج گام برمی دارند.» (اسحاقی، ۱۳۸۸، ۱۲۱).

در پایان می توان گفت تربیت غیر دینی فرزندان، بروز رفتار های مخالف با حیا توسط والدین و دگر اعضای خانواده، بی توجهی خانواده به رسانه های فرهنگی، ارتباط خانوادگی با دوستانی که زمینه بی عفتی را برای فرزندان ایجاد می کنند و عدم حضور فیزیکی و عاطفی والدین در کنار فرزندان آنها را به چالش روانی می کشاند. البته درست است که حیا امری اکتسابی است اما توجه خانواده به انتخاب همسر شایسته، لقمه حلال، توجه به زمان انعقاد نطفه، حالات روحی روانی به هنگام بارداری، از اموری است که سرزمین وجود فرد را جهت پذیرش حق و امور معنوی آماده می کند و در زمینه ایجاد حیا و حجاب زمان کمتری را از برنامه ریزان می گیرد. (حاتمی، ۱۳۸۸، ۱۹۲ تا ۱۹۱).

۲-۳. عوامل فرهنگی بدحجابی

عوامل فرهنگی از تاثیرگذارترین عوامل بدحجابی محسوب می شود. زیرا که می خواهیم جوامع غربی و استعمارگران از طریق فرهنگ وارد میدان می شوند. اگر فرهنگی غنی باشد جایی برای انتقال فرهنگ دیگر نمی ماند. که درذیل به برخی از عوامل فرهنگی بد حجابی اشاره می کنیم

۱-۲-۳. نا شناخته ماندن فرهنگ حجاب

مهم ترین عاملی که سبب سست شدن حجاب و ضعیف بودن مراعات آن در جامعه می شود، تبیین نشدن منطق حجاب با زبان مناسب برای بانوان در مقاطع مختلف سنی و تحصیلی است، مثلاً در نظام آموزشی در متون درسی از اولین سال های تحصیلی تا آخرین سال های تحصیلات عالیه کجا این کار انجام شده است. (طیب، ۱۳۷۸، ۶۹).

عده‌ای از خانواده‌های مسلمان، آشنائی با احکام و حدود حجاب و پوشش اسلامی، مسئله محرم و نامحرم را نمی‌شناسند و در ارتباطات خانوادگی با سر و روی برهنه در کنار هم به گفتگو و خنده می‌نشینند.

بر این نا آگاهی، بی دقتی را هم باید افزود، بسیاری از زنان مسلمان و نمازخوان را می‌بینی که با پای بدون جوراب در کوچه در مقابل دید نامحرم ظاهر می‌شوند، گویا تصور می‌کنند همان گونه که در نماز، پوشیدن پا تا میج واجب نیست پوشاندن آن از نامحرم هم واجب نیست. چنانچه در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده است: «الجهلُ اصلُ کلِّ شرٍّ؛ نادانی ریشه هر بدی است.» (تمیمی، ۱۳۸۵، ۷۳/۲)

در حالی که چنین افرادی اگر با احکام اسلامی پوشش آشنا باشند، درصدد اصلاح برمی‌آیند. پس شناخت، مخصوصاً خود شناسی نسبت به راه های تکامل یا تنزل موقعیت انسان، شناخت جهان هستی، فلسفه خلقت، علل احکام اسلامی و همین طور آگاهی از عواقب حجاب یکی از اهرم های اصلی مقید شدن به حجاب و عفاف است. (بهرامشاهی، ۱۳۸۸، ۱۱۸)

۲-۳-۲. اقلیت‌های مذهبی

با توجه به اینکه پیروان سایر ادیان الهی در داخل کشور اعتقادی به حجاب اسلامی ندارند و از نظر فرهنگی و مذهبی به اروپایی‌های نزدیک‌ترند و با آنها بیشتر احساس همبستگی می‌کنند و با توجه به اینکه در اقلیت نیز هستند رسوخ ارزش‌های غربی را به نفع خود می‌دانند تا اینکه بدین وسیله بتوانند در برابر فشار اکثریت مسلمانان برای خود مأوا و پناهگاهی به دست آورند؛ لذا پیروان این ادیان با ظاهری نامناسب در ملاء عام ظاهر می‌شوند و فساد و تبریج را گسترش می‌دهند. حتی برخی از اینها خود از جاسوسان و عمال استکبار هستند؛ چنان که وزارت مستعمرات انگلیس به جاسوسان خود توصیه می‌کند برای رواج تبریج و فساد و فحشا در میان زنان و جوانان مسلمان، باید زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند. (هدایت خواه، ۱۳۷۴، ۱۶۶)

۲-۳-۳. رسانه جمعی

عامل دیگر بد حجابی رسانه‌ها به خصوص تلویزیون است که در نابود کردن فرهنگ حجاب و دادن الگوی بدحجابی، خود نمایی و خود آرایی به جامعه نقش مهمی دارد.

«رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم موردنظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون، ماهواره و... نمونه‌هایی از رسانه هستند.» (امیر تیموری، ۱۳۷۷، ۱۶)

رسانه‌ها، نگرش و بینش مردم را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده و افراد جامعه از آنها انواع گوناگون اطلاعات را کسب می‌کنند. روزنامه‌ها، کتاب‌ها، رادیو، تلویزیون، فیلم‌ها و موسیقی‌های ضبط شده، اینترنت، ماهواره، کامپیوتر و مجلات عمومی، ما را در ارتباط نزدیک با تجاری قرار می‌دهند که به گونه دیگر نمی‌توانستیم آگاهی چندانی در مورد آنها داشته باشیم. رسانه‌های عصر پست مدرن اتوپیا می‌سازند. بشر در ذهن خود، بهشت آرمانی و زمینی را پروراند بود ولی در دوران کنونی به کمک رسانه‌ها، نصیبش شده است. بشر پست مدرن با کاربرد رسانه‌ها به این اتوپیا دست پیدا می‌کند.

از کارتون‌ها گرفته تا فیلم‌ها و سریال‌ها روح حجاب و عفاف را در جامعه ویران می‌کند. البته صد در صد نه ولی غالباً این گونه است که اشخاص پولدار و تحصیل کرده و از خانواده‌های اصیل اغلب بد حجابند و از آن طرف زن‌های دهاتی و کم سواد و حتی مجرم با حجاب و چادری اند. کارشناسان اجتماعی علت از هم پاشیده شدن خانواده‌ها را مطالعه کرده اند و علت

دلسردی مردان به زنان را همین فیلم‌ها بیان کرده‌اند، فیلم‌هایی که بازیگران آن از زیبا ترین هنر پیشه‌هایند. (طیب، ۱۳۷۸، ص ۷۰).

رسانه و فناوری نوین به تدریج فرهنگ ما را تبدیل به فرهنگ بصری کرده است. (لش، ۱۳۸۲، ۱۴۱). آنها باعث بلوغ زودرس کودکان، تاکید بر سطح و ظواهر دین، تزلزل ارزش‌های دینی، کثرت گرایی، هویت زدایی از جوامع، تاثیر برافکار عمومی، بدعت و... می‌شوند.

با توجه به خاستگاه اصلی رسانه‌های مدرن ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، سینما، اینترنت، ماهواره و مرکز تجمع ساز و کارهای مادی و غیر مادی تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای که در آمریکا و اروپا واقع شده است، لذا بدیهی است که جهت گیری و محتوای پیام‌های این رسانه‌ها نیز در بستر تامین و تضمین منافع و مطامع کاخ نشینان مغرب زمین تنظیم و ترسیم شود. نیاز دستگاه‌های تبلیغاتی ایران قبل از انقلاب اسلامی (به میزان صد درصد) از طریق مراکز وابسته به وسایل ارتباطی بیگانه تامین می‌گردید و به جرأت می‌توان ادعا نمود که بخش مهمی از موفقیت‌ها و پیشرفت‌های رژیم سابق در مورد گسترش غرب زدگی و لیبرالیزه نمودن فرهنگ آن دوران و به دنبال آن اشاعه‌ی فساد و بی بند و باری و بی عفتی و بی حجابی مرهون سرمایه گذاری‌های گسترده‌ی رسانه‌های جمعی غرب بود.

وسایل ارتباط جمعی بیگانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به طور چشمگیری بر حجم، بودجه و امکانات تبلیغاتی افزودند و با شیوه‌ها و شگردهای مختلف از تحریف اخبار و رویدادها و تنظیم و ارسال گزارش‌های به اصطلاح مستند گرفته تا پخش فیلم‌ها و برنامه‌های سراسر ابتذال با چاشنی برهنگی و ارتباط نامشروع زنان و مردان و استفاده‌ی ابزاری و تبلیغاتی از جاذبه‌های زنانه در پی توسعه و رونق بازار اقتصادی خود و هم‌صدا نمودن توده‌های مردم به ویژه نسل جوان برآمدند. فرآیند فساد انگیز فوق از توسعه‌ی پرشتاب رایانه و رسانه‌های الکترونیکی، به ویژه اینترنت و ماهواره، اوضاع و شرایط خاصی را در جامعه‌ی جوان، ایجاد نموده است که عادی شدن روابط ناسالم بین گروهی از زنان و مردان ضعیف النفس، شکسته شدن قبح خود آراییی‌های افراطی و رواج رو به تزاید بدحجابی و تبرج به تقلید از برنامه‌ها و فیلم‌های تولیدی رسانه‌های مذکور از جمله آن‌هاست.

۴-۳-۲. عدم نظارت سیاست‌گذاران فرهنگی

یکی از وظایف‌های مهم مسئولان فرهنگی کشور، نظارت بر مؤسسه‌های تولید پوشاک است که بسیاری از آنها به مراکز مدسازی و دوخت لباس‌های مبتذل تبدیل شده‌اند. این مراکز، آزادانه و به دور از هرگونه نظارتی، لباس‌های غیرمعمول و غیرشرعی تولید می‌کنند و حتی لباس‌های کودکان و نوجوانان نیز از مدسازی اینان در امان نمانده است.

نظارت بر فرآورده‌های فرهنگی، از تولید و نمایش فیلم و تبدیل شدن تلویزیون و سینمای کشور به صحنه ترویج مدهای غربی جلوگیری می‌کند. به این نکته هم باید اشاره کرد که براساس قوانین جمهوری اسلامی، خانم‌هایی که حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند، متخلف‌اند و کیفر خاصی برای این وضعیت در نظر گرفته شده است. با این حال، از تصویب صریح، جامع و متقن قوانین پوشش دینی که از ضروریات دین اسلام به شمار می‌رود، خبری نیست و خلأ آن بیش از پیش احساس می‌شود. دستگاه‌های اجرایی نیز در برخورد با پوشش‌های غیراسلامی و طراحی مد، سردرگم هستند و بیشتر اوقات، با بی‌اعتنایی از کنار این مسئله می‌گذرند. (اسحاقی، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

بنابراین لازم است که شکل لباس مخصوصاً برای بانوان را خودی‌ها طراحی نمایند وگرنه تا زمانی که طرح و رنگ و اندازه لباس را برای ما انتخاب کنند، مقابله با شبیخون فرهنگی چندان مؤثر نخواهد بود.

۵-۳-۲. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی عبارت است از تلاش مستمر و حيله گرانه استکبار برای سلب کردن فرهنگ های اصیل و الهی و جایگزین کردن فرهنگ مبتذل و مبتنی بر فساد و بی بهره ساختن ملت ها از هویت مستقل ملی و دینی خودشان و سلب اتکا به اراده خود و اعتماد به نفس به منظور سلطه اقتصادی و سیاسی. (قاضی، ۱۳۸۶، ۶۸).

«يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ اتِّهَمَا إِنَّهُ يَرِئَكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ ای فرزندان آدم، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، و لباسشان را از ایشان برگند، تا عورت هایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت، او و قبیله اش، شما را از آنجا که آنها را نمی بینید، می بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند» (اعراف/۲۷)

از آیه مذکور روشن می شود اولین مهاجم فرهنگی شیطان بوده است و به دنبال او یارانش حرکت کردند و راهش را ادامه دادند.

جهان غرب برای تحقق کامل سلطه سیاسی - اقتصادی خود، به تحقیر فرهنگی کشورهای اسلامی و تحمیل و اشاعه فرهنگ مبتذل خود پرداخته و ترویج بی حجابی و فساد زنان را به عنوان یکی از کارآمدترین راه ها تجربه کرده است، تا جایی که خود به این واقعیت معترف است در روش و تفکر صهیونیست های یهود آمده است: «ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا ویران شود تا راه سیطره ما را بگشاید. فروید از ماست و به زودی روابط جنسی زن و مرد چنان آشکارا و برملا انجام می شود که در نظر جوان، دیگر هیچ چیز مقدسی مفهوم نداشته باشد و پیوسته همت او اشباع غرایز شهوانی اش گردد. در آن صورت است که اخلاق فرو می ریزد» (محمد آشنانی، ۱۳۷۳، ۱۸۴)

فرانتس فانون در کتاب خود، از تسلط غرب بر کشورهای مسلمان با استفاده از زنان سخن رانده و به این ضرب المثل استشهد کرده است: «زنان را در دست بگیریم، همه چیز به دنبال آن ها خواهد آمد» و در جای دیگر، از نظریه اداره کنندگان دستگاه استعمار سخن گفته است: «باید برویم و زن را در پشت چادری که خود را درون آن می پوشاند، جستجو کنیم.» در نتیجه، موقعیت و وضعیت زن، اساس فعالیت ها قرار خواهد گرفت. (فتاحی، ۱۳۷۶، ۱۸۵).

اما کسانی که حجاب را مانع پیشرفت و بی حجابی را تجدد و تمدن می پندارند، باید نسبت به اعتراف و هشدارهای پایه گذاران این مکتب در باب پیامدهای شوم این فاجعه مطلع شوند، و خود را در ورطه نابودی ناشی از تهاجم فرهنگی نیندازند.

کندی، نظریه پرداز معروف آمریکا، می گوید: من برای نسل آینده آمریکا بیمناکم؛ از این رو، دانشمندان و روشن فکران و معلمان اجتماع را دعوت می کنم که درباره این خطر بزرگ که دنیای بشریت را تهدید می کند، فکری کرده، راه علاجی پیدا کنند. (بن قطب، ۱۳۵۱، ۳۳۶).

تهاجم فرهنگی بیگانه از سوی رادیوها و ماهواره، نوار و فیلم های مبتذل از طرف کشورهای بیگانه و دشمنان اسلام همچون سیل به طرف کشورهای اسلامی در حرکت است. و برخی از زنان و جوانان نیز تحت تأثیر قرار می گیرند، به گونه ای که با دیدن یکی از این برنامه های فاسد آثارش در شکل و قیافه آنان مشاهده می شود. (ماجرجو، ۱۳۸۹، ۱۳۰).

اسلام با هرگونه سلطه کفار بر مؤمنان مخالف است و در قرآن نیز به این امر اشاره شده است. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، (نساء / ۱۴۱)

اسلام به همه دستور داده که نه تنها سلطه آن ها را بر خود نپذیرند، بلکه تمامی ریشه های سلطه را از بین ببرند و با تمام مظاهر سلطه مبارزه کنند.

حجاب هویت زن مسلمان را تشکیل می دهد اما در سال های اخیر استعمار سعی می کند با زدودن مظاهر عفاف و حجاب این هویت را خدشه دار کند. و با ترویج فرهنگ مبتذل و غیرقابل دفاع غرب در نوع پوشش زنان اهداف شوم خود را دنبال می کند. در این راستا باید تلاش شود تا آموزشهای اجتماعی به گونه ای باشد که مسئله حجاب به صورت یک ارزش درآید و برای نیل به این هدف باید، ایمان و اعتقاد در بانوان را تقویت کرد، تا زنان و دختران بپذیرند که حجاب برای سلامت و امنیت جامعه است.

نتیجه گیری

یکی از پیچیده ترین پدیده های اجتماعی، رفتارهای زنان است. زن برای تمام این رفتارها هدف و انگیزه دارد و به دست آوردن این هدف ها و علت ها بسیار مشکل است. و با بررسی عوامل تبرج چنین به دست آمد که ریشه های پیدایش و گسترش این پدیده متعدد هستند. و فرا گرفتن این عوامل هم به تنهایی کافی نیست، بلکه باید این عوامل را ریشه یابی کرد و برای از بین بردن آن برنامه ریزی دقیق و درازمدت کرد. تا جلوی فحشا و فساد زن گرفته شده تا مبادا آن اصالت و پوشش اسلامی وی خدشه دار شود و به فساد و تباهی کشیده شود.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

الف. کتب فارسی

- اسحاقی، حسین (۱۳۸۸)، گوهر عفاف، موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، قم.
- اکبری، محمدرضا (۱۳۷۷)، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، عترت، چاپ چهارم، تهران
- اکبری، محمود (۱۳۷۶)، مروارید عفاف، انتشارات قم مقدس، چاپ اول، قم.
- امیر تیموری، محمدحسن (۱۳۷۷)، رسانه های آموزشی، ساسان، چاپ اول، شیراز.
- بهرامشاهی، علی (۱۳۸۸)، گلوآژه حجاب، نشر رسول، چاپ اول، قم.
- بن قطب، محمد (۱۳۵۱)، اسلام و تحولات زندگی، ترجمه محمدعلی عابدی، تهران؛ بی‌نا.
- حاتمی، حمید رضا، معصومه، ۱۳۸۸، نگاه (روانی - اجتماعی) اسلامی به مسئله حجاب و بد حجابی، سازمان بسیج خواهران، چاپ اول، تهران.
- رزاقی، احمد (۱۳۶۹)، عوامل فساد و بد حجابی و شیوه های مقابله با آن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، تهران.
- سلمان پور، محمد جواد (۱۳۸۸)، عفت و اعمال منافی با عفت در روایات معصومین، اسوه، چاپ دوم، تهران.
- شجاعی، محمد (۱۳۸۶ ش)، در و صدف، نشر محیی، چاپ ششم، قم.
- طیب. مهدی (۱۳۷۸)، حجاب و حقوق زن. سفینه، تهران..

- فتاحی، فتحیه (۱۳۷۶)، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، موسسه بوستان کتاب، چاپ ششم، قم.
- قاسمی، مرضیه (۱۳۷۸)، بررسی حجاب از دیدگاه سنت و قرآن، هزاره ققنوس، چاپ اول، تهران.
- قاضی، فاطمه (۱۳۸۶)، حجاب دختران، گلستان ادب، چاپ ششم، قم. قرشی، علی اکبر، ۱۳۸۶، قاموس القرآن، دار الکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم، تهران.
- قزائتی، محسن، ۱۳۸۹، تفسیر نور، جلد ۱۰، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ چهارم، تهران.
- لش، اسکات (۱۳۸۲)، جامعه شناسی پست مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران؛ نشر مرکز.
- ماجرا جو، محسن (۱۳۸۹)، نیازها و حجاب دختران و زنان، پارسیان، چاپ اول، قم.
- معین، محمد، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران.
- محمدی آشنانی، علی، ۱۳۸۳، حجاب در ادیان الهی، انتشارات اشراق، چاپ اول، قم.
- محمدی نیا، اسدالله (۱۳۸۱ش)، بهشت جوانان، انتشارات سبط اکبر، چاپ سیزدهم، قم.
- مطهری (۱۳۸۹)، مرتضی، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، چاپ هشتاد و نهم، تهران.
- هدایت خواه، ستار (۱۳۷۴)، زیور عفاف، معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش خراسان، چاپ اول، مشهد.
- ب. کتب عربی
- اصفهانی، راغب (۱۳۹۲ق)، المفردات فی الفاظ القرآن، مطبعه تقدم العربی، بیروت.
- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، بیروت، دار احیا تراث العربی، اول.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام (۲ ج)، مصر، دارالمعارف مصر.
- صدوق (بی تا)، علل الشرائع (ج ۱)، انتشارات مکتبه‌الدوری، قم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، مهدی مخزومی، دار الهجرة، چاپ دوم، بی جا.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار (۱۱۰ ج)، بیروت؛ مؤسسه‌الوفاء
- مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.. مفید (۱۴۱۳ق)،
- تصحیح الاعتقاد (ج ۱)، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید..

ج. نام سایت

- پایگاه تبیینی - تحلیلی برهان، ۱۳۹۱

- farhangesadid.ir.